

## بررسی کوتاه از تئوری گراند و اهمیت این تئوری

محمد بامری<sup>۱\*</sup>، سیف الله فضل الهی قمشی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد، (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار و دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد

### چکیده

تئوری گراند یک روش تحقیق کیفی است و بر این فرض بنا شده است که نظریه برای ایجاد دانش عمیق از پدیده های اجتماعی ضروری است. اگرچه ما فکر می کنیم که یک نظریه پایه خوب بیشتر از پایبندی روش شناختی وجود دارد، پذیرش تئوری گراند به عنوان یک متدولوژی کلی و پایبندی به تکنیک ها و رویه های آن پیش نیازهای تولید یک نظریه پایه خوب است. به نظر می رسد که مطالعات روش شناختی کامل تر تئوری گراند در حال حاضر در ادبیات روانشناسی ورزشی منتشر شده است. تئوری گراند برای یک پروژه تحقیقاتی نظریه زمینه ای انجام می شود. بر اساس یک رویکرد، در پروژه های تئوری گراند، محقق تمایل دارد قبل از نوشتن مرور تحقیقات، تحقیقات تجربی انجام دهد. اکثر دانشگاهیان که تحقیق در زمینه تئوری گراند انجام می دهند قبل از آن درک خوبی در زمینه تئوری گراند باید داشته باشند تا با ترک یک بررسی تحقیقاتی در اواخر فرآیند راحت تر باشند. برای دانشجویان پژوهشی که پروژه های تئوری گراند را انجام می دهند، بسیاری استدلال می کنند که تحقیق در مورد نظریه در ابتدای پروژه هم عملی و هم مهم است، تا مطمئن شوید که پروژه شما کارهای موجود را تکرار نمی کند یا روی مماس نامربوطی پیش نمی رود. همچنین، تحقیق در مورد پژوهش های دانشگاهی زمان زیادی می برد، بنابراین انجام آن از ابتدای پروژه، بعداً از استرس جلوگیری می کند. این تحقیق تئوری گراند و اهمیت این تئوری را بررسی می کند.

واژه های کلیدی: تئوری گراند، روش تحقیق، نظریه

## ۱. مقدمه

تئوری گراند یک روش تحقیق کیفی است که بر این فرض بنا شده است که نظریه برای ایجاد دانش عمیق از پدیده‌های اجتماعی ضروری است. گراند تئوری یک اصطلاح کلی است که به طیفی از رویکردهای روش‌شناختی اشاره دارد که برخی ویژگی‌ها و اهداف مشترک را دارند. به‌طور کلی، گراند تئوری رویکردهای سیستماتیک و انعطاف پذیر برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به‌منظور ساخت نظریه‌هایی هستند که در داده‌ها پایه‌گذاری شده‌اند. هدف از استفاده از گراند تئوری معمولاً تولید یک چارچوب نظری است که ممکن است توضیح دهد که چگونه و چرا افراد، سازمان‌ها یا جوامع رویدادها، چالش‌ها یا موقعیت‌های مشکل‌ساز را تجربه می‌کنند و به آن‌ها پاسخ می‌دهند. اصطلاح «تئوری پایه‌ای» برای اشاره به روش‌شناسی و نظریه حاصل از مطالعاتی که روش‌شناسی را به کار گرفته‌اند، استفاده می‌شود، این هم فرآیند و هم محصول است. در این مقاله، ما از اصطلاح گراند تئوری برای اشاره به روش استفاده می‌کنیم و اصطلاح نظریه پایه را برای اشاره به نظریه تولید شده با استفاده از گراند تئوری ذخیره می‌کنیم [۱ و ۲]. تئوری گراند روشی در تحقیقات طبیعت‌گرایانه است که عمدتاً برای ایجاد نظریه استفاده می‌شود. محقق با یک پرس‌وجو گسترده در یک حوزه موضوعی خاص شروع می‌کند و سپس اطلاعات مربوطه را در مورد موضوع جمع‌آوری می‌کند. همان‌طور که فرآیندهای اقدام جمع‌آوری داده‌ها ادامه می‌یابد، هر بخش از اطلاعات مورد بررسی، مقایسه و تضاد با سایر اطلاعات قرار می‌گیرد. از این فرآیند مقایسه مداوم، اشتراکات و تفاوت‌های میان دسته‌های اطلاعات روشن می‌شود و در نهایت نظریه‌ای که مشاهدات را توضیح می‌دهد به‌صورت استقرایی توسعه می‌یابد. بنابراین، پرسش‌هایی که از طریق تئوری گراند پاسخ داده می‌شوند، به حوزه‌های خاصی مربوط نمی‌شوند، بلکه به ساختار چگونگی سازمان‌دهی یافته‌ها توسط محقق مربوط می‌شوند. همان‌طور که می‌بینید، هر پرس‌وجو نشان می‌دهد که هدف تحقیق آشکار ساختن اصول نظری در مورد پدیده مورد مطالعه است. تئوری گراند همچنین می‌تواند برای اصلاح نظریه موجود یا برای بسط یا کشف تفاوت‌های موجود با آنچه قبلاً شناخته شده است استفاده شود [۳].

گراند تئوری یک روش‌شناسی سیستماتیک است که تا حد زیادی در تحقیقات کیفی انجام شده توسط دانشمندان علوم اجتماعی به کار گرفته شده است. این روش شامل ساخت فرضیه‌ها و نظریه‌ها از طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها است. نظریه زمینه‌ای شامل کاربرد استدلال استقرایی است. روش‌شناسی با مدل فرضی-قیاسی مورد استفاده در تحقیقات علمی سنتی در تضاد است [۴].

مطالعه مبتنی بر نظریه زمینه‌ای احتمالاً با یک سؤال یا حتی فقط با جمع‌آوری داده‌های کیفی آغاز می‌شود. همان‌طور که محققان داده‌های جمع‌آوری شده را بررسی می‌کنند، ایده‌ها یا مفاهیم برای محققان آشکار می‌شود. گفته می‌شود که این ایده‌ها از داده‌ها «پدیدار می‌شوند». محققان آن ایده‌ها را با کدهایی برچسب‌گذاری می‌کنند که به‌طور مختصر ایده‌ها را خلاصه می‌کند. با جمع‌آوری و بررسی مجدد داده‌های بیشتر، کدها را می‌توان در مفاهیم سطح بالاتر و سپس در دسته‌ها طبقه‌بندی کرد. این دسته‌بندی‌ها مبنای یک فرضیه یا یک نظریه جدید می‌شوند. بنابراین، نظریه زمینه‌ای کاملاً متفاوت از مدل علمی سنتی تحقیق است، که در آن محقق چارچوب نظری موجود را انتخاب می‌کند، یک یا چند فرضیه برگرفته از آن چارچوب را توسعه می‌دهد و تنها پس از آن داده‌هایی را برای ارزیابی اعتبار فرضیه‌ها جمع‌آوری می‌کند [۵].

گراندد تئوری یک روش تحقیق عمومی است، روشی برای تفکر و مفهوم سازی داده ها. در مطالعات جمعیت های مختلف از مناطقی مانند ازدواج مجدد پس از طلاق و اجتماعی شدن حرفه ای استفاده می شود. روش های نظریه (گراندد تئوری) پایه توسط دو جامعه شناس، بارنی گلاسِر و آنسلم استراوس (۱۹۶۷) توسعه داده شد [۶].

گلاسِر و استراوس (۱۹۶۷) [۷] در حین همکاری<sup>۱</sup> در تحقیق بر روی بیماران بیمارستانی در حال مرگ، روش مقایسه ای ثابت را توسعه دادند که بعدها به عنوان روش گراندد تئوری شناخته شد. آن ها تحقیقات خود را در کتاب آگاهی از مردن که در سال ۱۹۶۵ منتشر شد خلاصه کردند. گلاسِر و استراوس در ادامه روش خود را با جزئیات بیشتری در کتاب خود به نام کشف گراندد تئوری در سال ۱۹۶۷ توضیح دادند. سه هدف کتاب عبارت بودند از:

ارائه منطقی برای توجیه این ایده که شکاف بین یک نظریه علوم اجتماعی و داده های تجربی باید با پایه گذاری محکم یک نظریه در تحقیقات تجربی کاهش یابد. ارائه منطقی برای گراندد تئوری مشروعیت بخشیدن به تحقیقات کیفی دقیق، مهم ترین هدف، زیرا، در دهه ۱۹۶۰، روش های تحقیق کمی اعتبار زیادی پیدا کرده بود که تحقیقات کیفی ناکافی تلقی می شد [۷].

گراندد تئوری در شرایطی پدیدار شد که در آن موجی از انتقادات معطوف به نظریه های بنیادگرایانه و ساختارگرایانه بود که هم ماهیت قیاسی و هم نظری داشتند. نقطه عطفی در پذیرش این نظریه پس از انتشار کتاب آگاهی از مرگ اتفاق افتاد. کار آن ها در مورد مردن به تثبیت تأثیر تئوری گراندد در جامعه شناسی پزشکی، روانشناسی و روان پزشکی کمک کرد. روش های گراندد تئوری از ابتدا در زمینه های متنوعی مانند نمایش، مدیریت، تولید و آموزش برجسته تر شده اند [۸].

## ۲. ریشه های تئوری گراندد

منشأ تئوری گراندد را می توان در سال ۱۹۶۵ دنبال کرد، زمانی که بارنی گلاسِر مقاله ای را منتشر کرد که در آن روش مقایسه ای ثابت (یعنی کدگذاری و تجزیه و تحلیل مشترک برای تولید نظریه به طور سیستماتیک) را منتشر کرد که به یکی از ویژگی های کلیدی تئوری گراندد تبدیل شد. نسخه اولیه گلاسِر از روش مقایسه ای ثابت شامل چهار مرحله بود: ۱- مقایسه رویدادهای قابل استفاده برای هر دسته، ۲- ادغام دسته ها و ویژگی های آن ها، ۳- تعیین حدود نظریه و ۴- نوشتن نظریه. گلاسِر پیشنهاد کرد که پیروی از این مراحل، تحلیلگران را قادر می سازد تا نظریه هایی را تولید کنند که «یکپارچه، سازگار، قابل قبول، نزدیک به داده ها، و به شکلی که به اندازه کافی واضح باشد که به آسانی، حتی تا حدی، برای آزمایش در تحقیقات کمی عملیاتی شود» [۹].

در اولین کاربرد این رویکرد جدید، گلاسِر و استراوس (۱۹۶۵) مطالعه ای درباره مرگ در بیمارستان های کالیفرنیا، آگاهی از مرگ را منتشر کردند. دو سال بعد، اولین کتاب روش شناختی آن ها به نام کشف تئوری گراندد منتشر شد. این کتاب شامل مقاله گلاسِر (۱۹۶۵) در مورد روش مقایسه ای ثابت به عنوان یک فصل بود. با گذشت زمان، گلاسِر و استراوس شروع به بحث در مورد جنبه های مختلف روش شناسی کردند، زیرا استراوس شروع به توسعه تکنیک ها و روش های خود در مورد داده ها کرد. نتیجه توسعه دو نسخه مجزا از تئوری گراندد بود که در اینجا به آن ها رویکرد گلاسِر و استراوس گفته می شود [۹]. ژولیت کوربین،

<sup>۱</sup>Barney Glaser

<sup>۲</sup>Anselm Strauss

<sup>۳</sup>Glaser and Strauss

دانشجوی سابق که مدت ها با استراوس همکاری کرد، کمک های قابل توجهی به رویکرد جدید تئوری گراند کرد. از زمانی که استراوس در سال ۱۹۹۶ درگذشت، کوربین رویکرد استراوسی را اصلاح و گسترش داد [۱۰]. کتی چارماز همچنین با نوع نظریه ای مبتنی بر سازه گرایی به توسعه تئوری گراند کمک کرد [۱۱]. همچنین طیف وسیعی از رویکردهای نسل دوم برای تئوری گراند وجود دارد که به موجب آن محققان کار اصلی را گسترش داده و دیدگاه های خود را در مورد تئوری گراند توسعه داده اند [۱۲].

### ۳. زیربنای فلسفی

گراند تئوری سنت های فلسفه پوزیتیویستی، جامعه شناسی عمومی و به ویژه شاخه تعامل گرای نمادین جامعه شناسی را ترکیب می کند. به عقیده رالف و همکاران (۲۰۱۵) [۱۳]، تئوری گراند از نظر روش شناختی پویا است به این معنا که نظریه زمینه ای به جای اینکه یک روش شناسی کامل باشد، ابزاری برای ساخت روش هایی برای درک بهتر موقعیت هایی که انسان ها در آن قرار می گیرند، ارائه می دهد [۷].

گلاسز پیشینه ای در پوزیتیویسم داشت. به او کمک کرد تا یک سیستم برچسب گذاری را به منظور کدگذاری پاسخ های کیفی شرکت کنندگان در مطالعه ایجاد کند. او اهمیت تحلیل سیستماتیک را برای تحقیقات کیفی تشخیص داد. بنابراین او کمک کرد تا اطمینان حاصل شود که گراند تئوری به تولید کدها، دسته ها و ویژگی ها نیاز دارد. استراوس پیشینه ای در کنش متقابل گرایی نمادین داشت، نظریه ای که هدف آن درک چگونگی تعامل افراد با یکدیگر در ایجاد جهان نمادین است و چگونه دنیای نمادین یک فرد به شکل دادن رفتار یک فرد کمک می کند. او افراد را به عنوان شرکت کنندگان "فعال" در شکل گیری درک خود از جهان می نگریست. استراوس بر غنای تحقیقات کیفی در روشن کردن فرآیندهای اجتماعی و پیچیدگی زندگی اجتماعی تأکید کرد [۱۴]. عقیده گلاسز (۱۹۹۹)، استراتژی گراند تئوری تفسیر معنای شخصی در زمینه تعامل اجتماعی است. نظام گراند تئوری «رابطه متقابل معنا در ادراک سوژه ها و کنش آن ها» را مطالعه می کند. گراند تئوری کدهای نمادین را بر اساس مقوله هایی که از داده های کیفی ثبت شده پدید می آیند، می سازد. ایده این است که به روش های گراند تئوری اجازه دهیم تا به ما در درک بهتر دنیای پدیداری افراد کمک کنند [۱۵]. به گفته محققین، یکی دیگر از وظایف گراند تئوری زمینه ای، درک معانی اجتماعی مشترک است که زیربنای رفتارهای افراد و واقعیت شرکت کنندگان مورد مطالعه است [۱۴].

### ۴. فرضیه ها در تئوری گراند

نظریه گراند تئوری روش هایی را برای ایجاد فرضیه از داده های کیفی ارائه می دهد. پس از ایجاد فرضیه ها، تلاش برای حفظ یا رد آن فرضیه ها بر عهده سایر محققین است. سؤالاتی که توسط محقق کیفی با استفاده از گراند تئوری پرسیده می شود شامل "چه خبر است؟" و "مشکل اصلی شرکت کنندگان چیست و چگونه برای حل آن تلاش می کنند؟" محققانی که از روش های گراند تئوری استفاده می کنند، هدفشان «حقیقت» نیست. در عوض، آن محققان سعی می کنند آنچه را که در زندگی شرکت کنندگان در مطالعه اتفاق افتاده است، مفهوم سازی کنند. هنگام استفاده از روش های گراند تئوری، محقق قبل از جمع آوری داده ها فرضیه هایی را فرموله نمی کند، همان طور که اغلب در تحقیقات سنتی انجام می شود، در غیر این صورت فرضیه ها در داده ها بی اساس خواهند بود. فرضیه ها قرار است از داده ها بیرون بیایند [۷].

هدف محققى که از روش‌های تئورى گراند استفاده می‌کند، ایجاد مفاهیمی است که روشی را که مردم دغدغه‌های اصلی خود را بدون توجه به زمان و مکان حل می‌کنند، توضیح می‌دهند. این مفاهیم داده‌های سطح زمین را سازمان‌دهی می‌کنند. مفاهیم به اجزای سازنده فرضیه‌ها تبدیل می‌شوند. فرضیه‌ها به اجزای یک نظریه تبدیل می‌شوند. در بیشتر تلاش‌های پژوهشی رفتاری، افراد یا بیماران واحدهای تجزیه و تحلیل هستند، درحالی‌که در تئورى گراند واحد تحلیل حادثه است [۷]. به‌طورمعمول چند صد حادثه در یک مطالعه تئورى گراند تجزیه و تحلیل می‌شوند. زیرا هر شرکت کننده معمولاً حوادث زیادی را گزارش می‌کند. هنگام مقایسه بسیاری از حوادث در یک حوزه مطالعاتی خاص، مفاهیم نوظهور و روابط متقابل آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. درنتیجه، تئورى گراند یک روش کلی است که می‌تواند از هر نوع داده‌ای استفاده کند، اگرچه تئورى گراند بیشتر برای داده‌های کیفی به کار می‌رود [۱۶].

اکثر محققانی که به تئورى گراند گرایش دارند، روش‌های آماری را برای داده‌های کیفی که جمع‌آوری می‌کنند، به کار نمی‌برند. نتایج تحقیقات تئورى گراند از نظر یافته‌های آماری معنی‌دار گزارش نشده است، اگرچه ممکن است گزاره‌های احتمالی در مورد رابطه بین مفاهیم وجود داشته باشد [۱۷]. اعتبار درونی به معنای پژوهشی سنتی آن موضوعی در تئورى گراند نیست. در عوض، پرسش‌های مربوط به تناسب، ارتباط، کارپذیری و تغییرپذیری در گراند تئورى مهم‌تر هستند. علاوه بر این، طرفداران نظریه مبنا بر اعتبار نظری به‌جای ایده‌های سنتی اعتبار درونی یا اعتبار مربوط به اندازه‌گیری تأکید دارند. طرفداران تئورى گراند هنگامی که پایایی را مورد بحث قرار می‌دهند، کمتر خیرخواه هستند، و به‌طور مداوم یک روش مشاهده واحد را که به‌طور مداوم یک اندازه‌گیری غیرمتغیر را به دست می‌دهد، قابلیت اطمینان کیشوتیک می‌نامند [۱۸].

یک نظریه مناسب دارای مفاهیمی است که ارتباط نزدیکی با حوادثی دارد که نظریه ادعا دارد بازنمایی می‌کند. تناسب بستگی به این دارد که مقایسه مداوم حوادث با مفاهیم چقدر انجام شده است. یک مطالعه کیفی مبتنی بر تئورى گراند، نگرانی‌های واقعی شرکت‌کنندگان در مطالعه را بررسی می‌کند. این نگرانی‌ها فقط مربوط به آکادمیک نیست. تئورى گراند زمانی کار می‌کند که توضیح دهد چگونه شرکت‌کنندگان در مطالعه به مشکل در دست و مشکلات مربوطه رسیدگی می‌کنند. یک نظریه قابل تغییر است و زمانی که داده‌های مرتبط جدید با داده‌های موجود مقایسه می‌شوند، می‌توان آن را تغییر داد [۱۶].

## ۵. انواع تئورى گراند

برخی از مفسران تلاش کرده‌اند تا انواع تئورى گراند را بر اساس هم ترازى فلسفی آن‌ها طبقه‌بندی یا تمایز قائل شوند. به‌عنوان مثال، وید (۲۰۱۷) [۱۹] رویکرد گلاسری را به‌عنوان واقع‌گرایانه-پوزیتیویستی، رویکرد استراوسی را به‌عنوان رئالیست-مفسرگرا و رویکرد چارماز را به‌عنوان سازنده-تفسیرگرا توصیف کرد. سایر نویسندگان از چنین طبقه‌بندی دقیقی پیروی نمی‌کنند.

درحالی‌که در ارتباط دادن هرگونه با یک موقعیت فلسفی مزایایی وجود دارد، زیربنای فلسفی تئورى گراند بیشتر از طبقه‌بندی ساده است. اول، مهم است که تأکید کنیم که زیربنای فلسفی تئورى گراند در طول زمان تکامل یافته است. به گفته بیرکز و همکاران (۲۰۱۹) [۲۰]، مشارکت اولیه گلاسری در تئورى گراند تحت تأثیر پوزیتیویسم اواسط قرن بیستم بود، درحالی‌که

<sup>۱</sup>Weed

<sup>۲</sup>Birks

استراوس تحت تأثیر تعامل گرایی و عمل گرایی نمادین بود. مسلماً، آن‌ها در ابتدا پژوهشگر تئوری گراند را به عنوان یک متخصص از راه دور معرفی کردند تا اینکه به طور ضمنی در فرآیند تحقیق درگیر شوند و تجربه و معنا را با شرکت کنندگان ایجاد کنند. به این ترتیب، محققان پیشنهاد کرده‌اند که تئوری گراند گلاسرو استراوس اصلی به شدت توسط عینیت گرایی و نزدیک به رویکردهای پوزیتیویستی پشتیبانی می‌شود [۲۱]. چارماز که با گلاسرو استراوس هم مطالعه کرده بود، زمانی که نظریه پایه سازه انگاری را توسعه داد، که به موقعیت<sup>۷</sup> بافتی شرکت کنندگان در تحقیق و نقش محقق در ساختن معنی مشترک توجه می‌کند، سهم مهمی در روش شناسی داشت [۲۰].

مفروضات فلسفی مرتبط با تئوری گراند استراوس تکامل یافته است. متون روش شناختی اولیه آن‌ها به صراحت پارادایمی را که زیربنای این رویکرد بود، بیان نمی‌کرد. برخی از محققان استدلال کرده‌اند که این متون دارای پشتوانه‌های عینی گرایانه هستند، بر اساس این درک که یک واقعیت عینی و خارجی وجود دارد که می‌تواند توسط محقق کشف شود [۲۱]. با این حال، استراوس و کوربین در فصلی از کتاب، موضع پوزیتیویستی وجود یک واقعیت خارجی را رد کردند، در عوض تأکید کردند که از منظر آن‌ها حقیقت به اجرا در می‌آید [۱۰]. کار اخیر که توسط کوربین انجام شده است، به شدت «نقش بازتابی محقق را تأیید می‌کند و کاربرد رویه‌های فنی را همان‌طور که در نسخه‌های قبلی روش استراوس و کوربین بیان شد، ملایم می‌کند» [۲۱]. بنابراین، همان‌طور که رویکردهای تئوری گراند در طول زمان انعطاف پذیرتر شده‌اند، هم‌سویی سفت و سخت یک نوع با دیدگاه فلسفی نیز افزایش یافته است. می‌توان از دیدگاه‌های مختلف فلسفی به انواع مختلف نزدیک شد، درحالی‌که از تطابق روش شناختی (یعنی همخوانی بین دیدگاه‌های معرفت شناختی و هستی شناختی، موقعیت یابی نظری و روش‌های انتخاب شده) یک مطالعه اطمینان حاصل کرد [۲۲ و ۲۳]

همچنین تفاوت‌هایی در تکنیک‌ها و رویه‌های خاص مرتبط با هر گونه وجود دارد. یک تفاوت تاریخی بین سه نوع اصلی، استفاده از ادبیات در تئوری سازی است. گلاسرو استراوس در ابتدا پیشنهاد کردند که محققان در ابتدا باید تحقیقات نظریه و واقعیت را در حوزه مورد مطالعه نادیده بگیرند. گلاسرو به استدلال علیه انجام بررسی تحقیقات ادامه داد و پیشنهاد کرد که استفاده از نظریه موجود در اوایل فرآیند تحقیق ممکن است منجر به کاربرد زودرس ایده‌های از پیش ساخته شده در داده‌ها شود [۲۵]. چارماز (۲۰۰۶) [۱۱] با ایده اجتناب از تحمیل تئوری از پیش موجود به داده‌ها موافق بود، اما استدلال کرد که نمی‌توان بدون ایده‌های از پیش تعیین شده به مطالعه نزدیک شد. از دیدگاه استراوسی، تحقیقات را می‌توان در تمام مراحل مطالعه مورد استفاده قرار داد، اما مجدداً تحلیلگران باید مراقب تحمیل ایده‌های از پیش تعیین شده بر داده‌ها باشند [۱۰]. از منظر خودمان، ما استدلال می‌کنیم که ایده نادیده گرفتن پژوهشگر از تحقیقات، گمراه کننده و غیرقابل اجرا برای تحقیقات معاصر است. محققان باید الزامات سازمانی مختلفی را برآورده کنند - مانند نوشتن پروپوزال‌های تحقیقاتی دقیق، درخواست‌های بورس تحصیلی و کسب تأییدیه هیئت مدیره اخلاق تحقیق - و بنابراین لازم است برای توجیه یک مطالعه با تحقیقات موجود درگیر شوند. درک تحقیقات همچنین برای ایجاد تازگی سؤال تحقیق و سهم بالقوه در دانشی که یک مطالعه می‌تواند ارائه دهد ضروری است. بنابراین، استفاده از تحقیقات تا زمانی می‌تواند مفید باشد که «پژوهشگر سخت تلاش کند تا به داده‌های خود باز بماند [۲۶ و ۲۱].

<sup>۷</sup>constructivist grounded theory

همچنین تفاوت‌هایی بین انواع اولیه از نظر رویکردهای کدگذاری وجود دارد. اول، توجه به این نکته مهم است که اصطلاح کدگذاری به طرز فریبنده‌ای ساده است و همیشه شامل انتزاع و تعریف داده‌ها با یک برچسب مفهومی است. کدگذاری - صرف‌نظر از نوع آن - پیچیده است و نمی‌توان آن را از سایر جنبه‌های تجزیه و تحلیل مانند یادداشت نویسی و نمونه‌گیری نظری جدا کرد [۲۷]. رویکرد کدگذاری استراوسی بسیار دقیق و فنی است [۲۰] و شامل تکنیک‌های کدگذاری و طیف وسیعی از ابزارهای تحلیلی دیگر است [۱۰]. در مقابل، رویکرد گلاسر به کدگذاری مسلماً کمتر از رویکرد استراوسی تجویزی است و استفاده از کدگذاری اساسی و کدگذاری نظری را توصیه می‌کند. چارماز (۲۰۰۶) [۱۱] به کدگذاری اولیه، کدگذاری متمرکز و ادغام نظری اشاره کرد. با این وجود، حداقل سه اصل مشترک در کدنویسی تئوری گرانداد وجود دارد. ابتدا در مراحل اولیه کدگذاری، داده‌ها تجزیه و با یکدیگر مقایسه می‌شوند و در مراحل آخر کدگذاری داده‌ها به روش‌های نظری معنادار بازسازی می‌شوند. ثانیاً، اگرچه تکنیک‌های کدگذاری گاهی اوقات در یک توالی خطی توصیف می‌شوند، اما اغلب به صورت تکراری و چرخه‌ای استفاده می‌شوند. سوم، بین جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تعامل وجود دارد [۹].

بلگریو و سید (۲۰۱۹) [۲۷] اخیراً فصلی عالی در مورد رویکردهای کدگذاری در تئوری گرانداد ارائه کرده‌اند که شامل مقایسه بین رویکردهای مورد استفاده در انواع روش و چند مثال عملی است. آن‌ها اشاره کردند که رویکردهای معاصر برای کدگذاری تئوری گرانداد، صرف‌نظر از نوع آن، به عنوان دستورالعمل‌ها ارائه می‌شوند تا قوانینی که در سنگ نوشته شده‌اند. آن‌ها از برایانت (۲۰۱۷) [۱] استفاده کردند تا به محققان یادآوری کنند که عبارات روش‌شناختی باید به عنوان اکتشافی و نه الگوریتم ارائه، درمان و درک شوند. از این رو، کدگذاری باید در زمینه گسترده‌تر جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تعاملی (یعنی فرآیند تکراری) استفاده شود، اما تکنیک‌های کدگذاری (و سایر استراتژی‌های تحلیلی) انعطاف‌پذیر هستند.

## ۶. چه زمانی باید از تئوری گرانداد استفاده کرد؟

زمانی که هیچ نظریه‌ای وجود ندارد که توضیحی برای پدیده‌ای که در حال مطالعه آن هستید ارائه دهد، باید از تئوری گرانداد استفاده کنید. همچنین می‌توان از آن در صورت وجود نظریه استفاده کرد، اما به طور بالقوه ناقص است. زیرا داده‌های مورد استفاده برای استخراج آن نظریه از گروه شرکت‌کنندگانی که قصد تحقیق در آن‌ها را دارید جمع‌آوری نشده است. تئوری‌هایی که با استفاده از تئوری گرانداد ایجاد می‌کنید مستقیماً از شرکت‌کنندگان در دنیای واقعی در تنظیمات دنیای واقعی با استفاده از روش‌هایی مانند مصاحبه‌های عمیق و مشاهده مشتق شده‌اند، بنابراین یافته‌های شما با دقت بیشتری دنیای واقعی را نشان می‌دهد. این برخلاف سایر رویکردهای تحقیقاتی است که در محیط‌های کمتر طبیعی مانند آزمایشگاه‌های تحقیقاتی یا جداول گروه متمرکز رخ می‌دهند [۲۸]. از آنجایی که تئوری گرانداد در درجه اول به داده‌های جمع‌آوری شده برای تعیین نتیجه نهایی متکی است، یافته‌ها به شدت با آن داده‌ها مرتبط هستند. این برخلاف سایر رویکردهای تحقیقاتی است که بیشتر بر چارچوب‌های تحقیقاتی خارجی یا نظریه‌هایی که بیشتر از داده‌ها حذف می‌شوند متکی هستند. تئوری گرانداد یک روش تحقیق قوی و استقرایی برای کشف نظریه‌های جدید است. شما با هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای در مورد نتیجه وارد نمی‌شوید و نگران اعتبار یا توصیف نیستید. در عوض، به داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کنید اجازه می‌دهید تا تجزیه و تحلیل و ایجاد نظریه شما را هدایت کند و به اکتشافات جدید منجر شود. فرآیند تئوری گرانداد استراتژی‌های خاصی را برای تحلیل توصیف می‌کند که می‌تواند فوق‌العاده

<sup>۱</sup>Bryant

مفید باشد. درحالی که تئوری گراند یک روش بسیار باز است، استراتژی های تجزیه و تحلیل شما را قادر می سازد در فرآیند کشف خود ساختارمند و تحلیلی بمانید. جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها به شدت در هم تنیده شده اند. همان طور که داده ها را جمع آوری می کنید، آن ها را تجزیه و تحلیل می کنید، و همان طور که از تجزیه و تحلیل یاد می گیرید، به جمع آوری داده های بیشتری ادامه می دهید. این کمک می کند تا اطمینان حاصل شود که داده هایی که جمع آوری می کنید برای توضیح یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل کافی است. از آنجایی که جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها به شدت درهم تنیده شده اند، شما واقعاً آنچه را که از خود داده ها بیرون می آید دنبال می کنید. این یک بافر عالی در برابر تأیید باورهای از پیش تعیین شده در مورد موضوع شما فراهم می کند [۲۹]. تئوری گراند بر یک فرآیند استخدام تکراری به نام نمونه گیری نظری تکیه می کند که در آن هنگام تجزیه و تحلیل داده ها، به طور پیوسته با شرکت کنندگان جدید و شرکت کنندگان قبلی مصاحبه های جدیدی را جذب و انجام می دهید. معیارهای استخدام نیز بر اساس آموخته های شما تغییر می کند و تغییر می کند. از آنجایی که استخدام از پیش تعریف نشده است، یافتن مداوم شرکت کنندگان مناسب برای مطالعه می تواند چالش برانگیز باشد. هیچ راهی وجود ندارد که از قبل بدانید چه مقدار داده باید جمع آوری کنید، بنابراین باید در زمان خود انعطاف پذیر باشید. با تئوری گراند، شما به طور مداوم داده ها را جمع آوری و تجزیه و تحلیل می کنید تا زمانی که به اشباع نظری برسید، این نقطه ای است که در آن داده های جدید بینش جدیدی را به نظریه در حال تکامل شما کمک نمی کند. این بدان معنی است که شما احتمالاً قبل از تکمیل نظریه خود، دوره های زیادی از جمع آوری داده ها را انجام می دهید. تجزیه و تحلیل داده ها به صورت چرخشی انجام می شود و شامل مقایسه مداوم بین گزیده های مختلف داده ها است. پیگیری مقایسه ها و یافته های خود در حین حرکت می تواند چالش برانگیز باشد. استفاده از یک نرم افزار تجزیه و تحلیل داده های کیفی می تواند مفید باشد تا به شما کمک کند در طول تجزیه و تحلیل سازمان دهی خود را حفظ کنید [۷، ۱۰، ۱۱، ۲۳].

رویکردهای مختلف به تئوری گراند، دیدگاه های متفاوتی را در مورد چگونگی استفاده از نظریه از پیش موجود در تحقیق منعکس می کند. گلاس و استراوس در کشف تئوری گراند این دیدگاه را مطرح کردند که پیش از انجام تحقیق، محققین باید بدون هیچ گونه ایده قبلی در مورد مفاهیم و فرضیه های مرتبط به حوزه ای از مطالعه برسند. به این ترتیب، به گفته گلاس و استراوس، محقق از تحمیل مقولات از پیش تعیین شده بر تلاش تحقیق اجتناب می کند. گلاس بعداً تلاش کرد تا قبل از شروع مطالعه کیفی به تنش بین خواندن و خواندن تحقیقات بپردازد. گلاس موضوع استفاده از مرور تحقیقات را برای افزایش "حساسیت نظری" محققان، یعنی توانایی آن ها برای شناسایی یک نظریه پایه که مناسب با داده ها است، مطرح کرد. او پیشنهاد کرد که محققان مبتدی ممکن است خواندن متون را به تأخیر بیندازند تا از تأثیر ناروا بر روی کارکرد آن ها با داده های کیفی که جمع آوری می کنند جلوگیری کنند. گلاس معتقد بود که خواندن ادبیات تحقیق مربوطه می تواند محققین را به استفاده از مفاهیم از قبل موجود در داده ها، به جای تفسیر مفاهیم برآمده از داده ها، سوق دهد. باین حال، او خواندن گسترده ادبیات را برای ایجاد حساسیت نظری تشویق کرد. استراوس احساس می کرد که خواندن مطالب مرتبط می تواند حساسیت نظری محقق را افزایش دهد [۲۱].

### نتیجه گیری

تئوری گراند روشی را به محققان آموزشی ارائه می دهد که اشکال متنوعی از جمع آوری داده های کیفی را تکمیل می کند و کار آن ها را تسریع می کند. اتخاذ راهبردهای تئوری گراند بیشتر، محققان آموزشی را قادر می سازد تا دامنه نظری مطالعات خود را



پیش ببرند و معانی و فرآیندهای ضمنی را آشکار کنند. سازه گرایان نه تنها نظریه پایه را بازبینی کرده اند، بلکه آن را به گونه ای بازنگری کرده اند که این روش را نسبت به نسخه های قبلی آن انعطاف پذیرتر و به طور گسترده ای پذیرفته است. در گذشته، تئوری گراند اغلب جدا از سایر روش ها تلقی می شد. در حال حاضر، نسخه بر ساخت گرایانه سودمندی ترکیب تئوری گراند با رویکردهای دیگر را آشکارتر می کند، همان طور که در مطالعات تئوری گراند در آموزش مشهود است. تئوری گراند می تواند قوم نگاری را تحلیلی تر، تحقیقات مصاحبه را عمیق تر و تحلیل محتوا را متمرکزتر کند. چندین برنامه تجزیه و تحلیل داده های کیفی به کمک رایانه بر اساس تئوری گراند ساخته شده اند و این روش می تواند نوآوری را به تحقیقات روش های ترکیبی اضافه کند. تئوری گراند بر تمرکز جمع آوری داده ها و بررسی و توسعه ایده های تحلیلی تأکید دارد. از این رو، تئوری گراند ابزارهایی را برای ایجاد شواهد قوی در تجزیه و تحلیل و برای توضیح فرآیندها ارائه می دهد. در نتیجه، نظریه پردازان گراند در آموزش آینده روشنی برای ارائه استدلال های قوی در زمینه هایی مانند مطالعات درسی، رهبری آموزشی و سیاست آموزشی دارند.

تئوری گراند روشی کیفی است که شما را قادر می سازد تا یک پدیده یا فرآیند خاص را مطالعه کرده و نظریه های جدیدی را کشف کنید که مبتنی بر جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های دنیای واقعی است. بر خلاف رویکردهای سنتی فرضیه-قیاسی تحقیق، که در آن شما یک فرضیه را ارائه می کنید و سپس سعی می کنید آن را اثبات یا رد کنید، تئوری گراند یک رویکرد استقرایی است که در آن نظریه های جدید از داده ها استخراج می شود. فرآیند جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل داده ها و توسعه تئوری در یک فرآیند تکراری اتفاق می افتد. جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های تکراری تا زمانی که به اشباع نظری برسید اتفاق می افتد، نقطه ای که در آن داده های اضافی بینش بیشتری به نظریه جدید شما اضافه نمی کنند.

## مراجع

- 1- Bryant, A. (2017). *Grounded theory and grounded theorizing: Pragmatism in research practice*. Oxford University Press.
- 2- Holt, N. L. (2016). Doing grounded theory in sport and exercise. In *Routledge handbook of qualitative research in sport and exercise* (pp. 46-58). Routledge.
- 3- DePoy, E., & Gitlin, L. N. (2019). *Introduction to research E-book: understanding and applying multiple strategies*. Elsevier Health Sciences.
- 4- Faggiolani, C. (2011). Perceived identity: Applying grounded theory in libraries. *Perceived Identity: Applying Grounded Theory in Libraries*, 1-33.
- 5- Allan, G. (2003). A critique of using grounded theory as a research method. *Electronic journal of business research methods*, 2(1), pp1-10.
- 6- Broadhead, R. S. (2017). *The private lives and professional identity of medical students*. Routledge.
- 7- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine Publishing, c1967.
- 8- Fletcher-Watson, B. (2013). Toward a grounded dramaturgy: Using grounded theory to interrogate performance practices in theatre for early years. *Youth Theatre Journal*, 27(2), 130-138.
- 9- Holt, N. L., Pankow, K., Ormond, I., Jørgensen, H., Deal, C. J., & Pynn, S. R. (2022). Grounded theory. *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 15(1), 199-225.
- 10- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.

- 11- Charmaz, K. (2006). Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis. sage.
- 12- Morse, J. M., Bowers, B. J., Charmaz, K., Corbin, J., Clarke, A. E., & Stern, P. N. (2016). Developing grounded theory: The second generation (Vol. 3). Routledge.
- 13- Bryant, A., & Charmaz, K. (Eds.). (2019). The SAGE handbook of current developments in grounded theory. Sage.
- 14- Aldiabat, K. M., & Navenec, L. (2011). Philosophical Roots of Classical Grounded Theory: Its Foundations in Symbolic Interactionism. Qualitative Report, 16(4), 1063-1080.
- 15- Glaser, B. G. (1999). The future of grounded theory. Qualitative health research, 9(6), 836-845.
- 16- Glaser, B. G. (2003). The grounded theory perspective II: Description's remodeling of grounded theory methodology. Sociology Press.
- 17- Glaser, B. G. (1998). Doing grounded theory: Issues and discussions. Sociology Press.
- 18- Schonfeld, I. S., & Farrell, E. (2010). Qualitative methods can enrich quantitative research on occupational stress: An example from one occupational group. In New developments in theoretical and conceptual approaches to job stress. Emerald Group Publishing Limited.
- 19- Weed, M. (2017). Capturing the essence of grounded theory: the importance of understanding commonalities and variants. Qualitative Research in Sport, Exercise and Health, 9(1), 149-156.
- 20- Birks, M., Hoare, K., & Mills, J. (2019). Grounded theory: the FAQs. International Journal of Qualitative Methods, 18, 1609406919882535.
- 21- Thistoll, T., Hooper, V., & Pauleen, D. J. (2016). Acquiring and developing theoretical sensitivity through undertaking a grounded preliminary literature review. Quality & Quantity, 50(2), 619-636.
- 22- Mayan, M. J. (2016). Essentials of qualitative inquiry. Routledge.
- 23- Morse, J. M. (Ed.). (1994). Critical issues in qualitative research methods. sage.
- 25- Glaser, B. G., & Holton, J. (2004, May). Remodeling grounded theory. In Forum qualitative sozialforschung/forum: qualitative social research (Vol. 5, No. 2).
- 26- Foley, G., & Timonen, V. (2015). Using grounded theory method to capture and analyze health care experiences. Health services research, 50(4), 1195-1210.
- 27- Belgrave, L. L., & Seide, K. (2019). Coding for grounded theory. The SAGE handbook of current developments in grounded theory, 167-185.
- 28- Ralph, N., Birks, M., & Chapman, Y. (2015). The methodological dynamism of grounded theory. International journal of qualitative methods, 14(4), 1609406915611576.
- 29- Ralph, N., Birks, M., & Chapman, Y. (2015). The methodological dynamism of grounded theory. International journal of qualitative methods, 14(4), 1609406915611576.